

مشکلات تربیتی و رفتاری

● قسمت آخر ● حسن ملکي

۳- معلم و مربی

بعد از خانواده نهاد مدرسه قوی ترین عاملی است که به شخصیت کودکان شکل می دهد. مخصوصاً در عصر حاضر که نقشهای اجتماعی پیچیده تر شده و فرد برای زندگی اجتماعی نیازهای عدیده ای دارد و خانواده به تنهایی قادر نیست رافع و تأمین کننده نیازهای مختلف کودکان باشد، مدرسه نقش تعیین کننده ای می تواند ایفا کند. پایه های شخصیت کودک که در قبل از مدرسه بنا نهاده شده است، در مدرسه تقویت می گردد و همین طور می توان از طریق برنامه های تربیتی مدرسه تعدیل و اصلاحی در اثرات سوء تربیتی خانواده بر کودکان بوجود آورد. رکن بسیار قوی در مدرسه معلم و مربی است. اوست که دائم با دانش آموز ارتباط دارد و براساس یک رابطه قوی عاطفی می تواند به رفتارهای کودکان شکل بدهد.

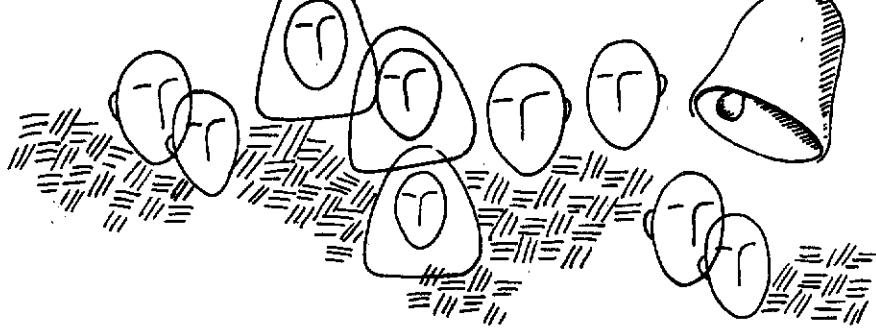
شاگردان معلم را هر روز طی ماهها و سالها می بینند و صدایش را می شنوند. معلم برای دختران و پسران جوان بعضی از با ارزش ترین مثالها و نمونه های یادگیری را ارائه می دهد. دست آوردهای اخلاق و شخصیت اساساً نتیجه ارائه نمونه و انگیزش انسانی است. تجربه نشان می دهد که معلمین ناراحت و عصبانی دانش آموزان را نیز ناراحت و عصبانی می کنند. از طرف دیگر معلمین شاداب و خوش مشرب جوانان را با نشاط و فعال می سازند.^۵

در زمینه های مختلف یادگیری که به نام ارزش گذاری، گرایشها و نگرشها و آرمانها شناخته شده اند، تأثیر معلم بی نهایت مهم است. اگر معلم در ایجاد ارتباط و تلاش برای تربیت و رشد کودکان شکست بخورد، یکی از مؤثرترین وسایل پیشبرد سلامت و رشد آموزش را از دست داده است.

ما نمی توانیم کودکان را فریب دهیم. آنها بینندگان و شنوندگان با هوشی هستند. فراگیران اغلب باد می گیرند که

همانند معلم خود بشوند اگر صحنه ای از یک فیلم بتواند تغییرات مهمی در نظر و رفتار بوجود آورد آیا منطقی نیست که بپذیریم مشاهدات مداوم نمایش زندگی واقعی و عملی معلم می تواند تغییرات عمیق تری در رفتارها پدید آورد؟^۶ عناصر اصلی شخصیت معلم و مربی از طریق «هماندسازی» به دانش آموزان انتقال پیدا می کند، اگر اینها صلاحیت لازم را برای این رسالت عظیم بدست نیاورده باشند دست به ویرانگری خواهند زد؛ ویرانگری فکری، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان. فراموش نخواهیم کرد که حضرت امام (قدس سره) این مربی الهی امت اسلام در شأن معلم فرمود: «معلمی شغل انبیاست». اگر این بیان گرانبه برای مامولان بخوبی تفهیم شود با سوز و گداز تلاش می کنیم که دانش آموزان معصوم را در مسیر صحیح تربیتی هدایت کنیم و هر راه انحرافی را به روی آنها ببندیم. این که معلم یک نبی است مبالغه نیست. نه امام بزرگوارمان «ره» اهل مبالغه بود و نه ارزش معلمی ناپیداست، به حق مرتبی یک پیامبر است که دانش آموزان اقت اویند. آنچه در شخصیت انبیاء عظام بود باید بالنسبه در شخصیت معلم نیز تجلی پیدا کند. قبل از هر ویژگی، انبیا صیغه رتانی داشتند. انسانها را از ظلمت جهل و شرک و بت پرستی بیرون آوردند و به سوی خدا هدایت نمودند. الهی ساختن انسان بالاترین هدف تربیتی آنها بود. همین هدف باید نصب العین معلم و مربی نیز باشد. می توان گفت مشکل ریشه ای برای دانش آموزان از زمانی شروع می شود که به دست یک معلم تربیت نشده از مدار فطرت خارج شوند و به طور قسری حرکت کنند.

ویژگی دیگر انبیا این بود که آنها به قدر عقول انسانها حرف می زدند. آنها جوری حرف می زدند که همه بفهمند و دریابند و به سوی هدفهای تربیتی حرکت کنند. مربیان نیز باید



بخواهند و بتوانند به قدر عقول دانش آموزان رفتار کنند. زیرا که هر سستی، اقتضایی دارد اگر مغایر با آن عمل شود نه تنها رشدی برای او حاصل نمی شود بلکه اخلاق عظیمی در رفتار دانش آموز بوجود می آید.

شرط نخست این است که معلم استعدادها و تواناییهای عقلی و ذهنی افراد را به خوبی بشناسند. عقل و فکر افراد مراتبی دارد و هر مرتبه ای برنامه تربیتی خاصی را می طلبد. شرط دوم این است که مرتبان نیازها و علائق افراد را بشناسند و با توجه به آنها فعالیت‌های تربیتی خود را سازماندهی کنند. به عنوان مثال یکی از نیازهای دوره نوجوانی «استقلال شخصیت» است. نوجوان علاقه مند است که جایگاه خاص خود را داشته باشد و در تصمیم گیریها به رأی و اندیشه او نیز توجه شود. اگر برنامه تربیتی مغایر با این نیاز روانی نوجوان باشد چه پیش می آید؟ قطعاً او دیگر در کنترل تربیتی مربی نخواهد بود.

دانش آموز باید در کنترل مربی و معلم باشد نه کنترل اجباری، اصولاً تربیت اجبار برادر نیست بلکه هدف کنترل عاطفی و عقلانی معلم بر دانش آموز است. اگر این کنترل نباشد معلم یک چیز خواهد بود و دانش آموز چیز دیگر. یعنی ارتباطی بین آنها نخواهد بود تا معلم بتواند زمینه رشد فکری و اخلاقی دانش آموز را فراهم سازد. برخی از مشکلات رفتاری از این فقدان هم‌زمانی و همدلی بر می خیزد.

۴- عدم استفاده از عقل

تفکر و تعقل در انسان عامل بسیار قوی در رشد و اعتلای انسان است. کسی که عقل خود را در برخورد با مسایل زندگی به کار نگیرد بدون تردید در چنگال مشکلات تربیتی و انحرافات اخلاقی اسیر می شود زیرا که دچار مشکل شدن در اثر نشناختن راه زندگی و در اثر نندیدن عمق و باطن امور است. اگر انسان با چشم سر ظواهر را می بیند می تواند با تفکر و تدبیر به باطن و اصل مسایل مختلف پی ببرد و راه فلاح خود را باز یابد. کسی که نظم را در کارهای خود و جامعه رعایت نمی کند اگر به فکر خود متکی باشد و بر آریکه هوا و خیال سوار نشود متوجه می شود که رعایت نظم یک امر عقلانی است و برهم زدن نظم و بی توجهی به قوانین و مقررات در زندگی اجتماعی یک امر غیر عقلانی و به زیان اوست. دانش آموزی که از قدرت عقلانی

برخوردار باشد می فهمد که اگر در برخورد همسالان و همکلاسان خود صداقت نشان دهد از آنها نیز صداقت می بیند و اگر با خدعه و نیرنگ رفتار کند خو او نیز زیان خواهد بد.

بی مناسبت نیست به این حدیث ارزشمند و پر معنا توجه کنیم که رابطه تعقل با سلامت تربیتی انسان و وضوح بیشتری پیدا کند. «جبرئیل بر آدم وارد شد و گفت خداوند ترا در بین سه چیز مخیر ساخته که یکی را انتخاب کنی. حیا، عقل و دین. آدم عقل را برگزید. جبرئیل به دین و حیا گفت شما بروید آنها گفتند ما نمی رویم چون از جانب خداوند مأمور هستیم هر جا عقل باشد ما هم آنجا باشیم».

همچنین حضرت علی (ع) می فرماید: «هر که در او خصلتی از خصال نیک بر من ثابت شود او را بر آن پذیرا می شوم. و از نبودن چیزهای دیگر چشم می پوشم، لیکن از نبودن خرد و دین چشم نمی پوشم. زیرا جدایی از دین جدایی از امنیت خاطر است و زندگی با ناامنی و نگرانی گوارا نخواهد بود. فقدان خرد نیز به منزله فقدان حیات است و بی خرد را جز با فردگان قیاس نتوان کرد».

بنابراین اگر بتوانیم در برنامه های تربیتی خود قدرت تفکر دانش آموزان را بالا ببریم و آنها را طوری تربیت کنیم که مسئله شناس باشند و برای حل مسایل مختلف راه حلی بیندیشند، کمک زیادی به آنها کرده ایم.

۵- ناآگاهی از خود

گاهی انسان مخصوصاً در سنین جوانی به علت جهل به بهای وجود خود، گرفتار مشکلاتی می گردد که رهایی از آن تا آخر عمر برای او امکان ناپذیر است. انسان بر اساس فطرت الهی که دارد، دارای آن چنان قیمتی است که اگر جز در راه کمال و کسب فضایل و سجایای اخلاقی، قدمی بردارد، گام به خطا نهاده است و بلا تردید گرفتار خسران می شود. آنهایی که خود را با هوی و هوس می آلاینند آنها بی هستند که قیمت خود را نمی دانند و گوهر صیغه اللهی خود را با امیال و هوسها رنگ ابلیسی می دهند. حضرت علی (ع) می فرمایند: «دوانک فیک ولا تبصر و دوانک منک ولا تشعر و انت الکتاب المبین الذی باحرفه تظهر المضممر انزع منک جرم صغیر؟ و فیک انطوی العالم الاکبر»؛

درمان تو در خود تو است، تو بدان بصیرت نداری، درد تو نیز از خود توست، تو بر آن آگاهی نداری تو آن کتاب مبینی که به باری حروف اندک آن رازهای نهفته آشکار می شود. آیا گمان می کنی که تو همین جسم کوچک هستی؟ و حال آن که راز «جهان بزرگ» در کتاب وجود تو مندرج است.

آشنا ساختن افراد با ارزش وجودیشان بالاترین خدمت به آنهاست. شناخت خود تنها در پیشگیری از آسیب ها و امراض تربیتی کارساز نیست بلکه در مقام معالجه نیز کارگشا است. فردی که به یک مشکل روحی و روانی گرفتار است می تواند استوارترین قدمها را در قلع و قمع مشکل با توان و اراده خود بردارد. اختیار انسان، اراده انسان و نیت انسان دارای آن چنان توانی است که می تواند فرد کج رو را از راه سقوط و ضلالت برگرداند و او را در طریق رشد و اعتلا و انسانیت قرار دهد. خیلی از افراد مشکل دار اعتماد به نفس ندارند و یقین کرده اند که نمی توانند کاری از پیش ببرند، در حالی که اگر بخواهند با استفاده از عناصر گرانمایه وجود آگاهانه و پرصلابت قدم بردارند قادر به حل مسایل خود هستند. فرض کنید دانش آموزی قادر به ایجاد ارتباط گروهی با دیگران نیست و نمی تواند به عنوان عضویک گروه ایفای نقش کند. اگر مربیان با روشی معقول و مناسب با توان و علاقه به او بفهمانند که ایفای نقش و انجام وظیفه در یک گروه اجتنابی از هر کسی ساخته است و اگر او نمی تواند به این دلیل است که به خیال نتوانستن گرفتار شده است، زمینه روانی را برای ایجاد تغییر در رفتار او ایجاد خواهند کرد. □

پی نوشتها

- ۱- شریعتمداری، علی؛ جامعه و تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، صفحات ۱۴۸-۱۴۷
- ۲- نشریه علوم تربیتی، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۷۱-۷۰
- ۳- نوایی نژاد، شکوه؛ رفتارهای پنهان و ناپهناجا، ۱۳۶۵، ص ۱۷۸
- ۴- نشریه علوم تربیتی، سال یازدهم شماره ۱-۲، ص ۷۱
- ۵- ای کارلاین، دونالد؛ تدریس شیوه های یادگیری به کودکان، ترجمه دکتر سیداکبر حسینی، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۶
- ۶- همان منبع
- ۷- الحیاء، جلد اول (محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی)، ترجمه: احمد آرام، ص ۷۱